

**هشدار بی سابقه اروپا درباره شهرک‌سازی‌های اسرائیل در کرانه باختری؛**

## طرح E۱، حرکت خرنده تل آویو به سمت الحاق



رامین پرتو

همزمان با تشدید عملیات نظامی اسرائیل در غزه و افزایش تنش‌های ناشی از برخورد تل آویو با «اتاقان صمود»، اکنون نشانه‌های روشنی از انتقال کانون بحران به کرانه باختری دیده می‌شود.جایی که پروژه‌های شهرک‌سازی، توسعه کنترل امنیتی، تغییر بافت جمعیتی و حتی الحاق تدریجی اراضی فلسطینی با سرعی بی‌سابقه در حال پیگیری است.در این میان، واکنش هماهنگ شماری از کشورهای غربی به طرح جنجالی «E۱» نشان می‌دهد که نگرانی‌ها نسبت به آینده کرانه باختری دیگر صرفاً محدود به جهان عرب یا نهادهای حقوق بشری نیست، بلکه به یکی از محورهای اختلاف میان اسرائیل و متحدان سنتی غربی‌اش تبدیل شده‌است.

بنابیه مشترک ۹ کشور غربی شامل آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، کانادا، استرالیا، نیوزیلند، نروژ و هلند علیه پروژه E۱ از چند جهت قابل توجه است. این کشورها نه تنها گسترش شهرک‌سازی را ناقض آشکار حقوق بین الملل دانسته‌اند، بلکه برای نخستین بار شرکت‌های خصوصی را نیز نسبت به مشارکت در پروژه‌های شهرک‌سازی تهدید به پیامدهای حقوقی و اعتباری کرده‌اند.همزمان، برخی کشورهای اروپایی مانند سوئد و هلند از بررسی ممنوعیت واردات کالاهای تولیدشده در شهرک‌های اسرائیلی خبر داده‌اند، که اگر چه هنوز به سطح تحریم فراگیر نرسیده، اما نشانه‌ای از تغییر

تدریجی ادبیات اروپا در قبال سیاست‌های تل آویو محسوب می‌شود.

#### طرح E۱ پروژه‌های فراتر از یک شهرک‌سازی معمولی

طرح موسوم به E۱ در ظاهر یک پروژه ساخت‌وساز و توسعه شهرک‌های اسرائیلی است، اما در واقع یکی از حساس‌ترین پروژه‌های ژئوپلیتیکی در منازعه فلسطین و اسرائیل به‌شمار می‌رود. این طرح منطقه‌ای، راهبردی میان بیت‌المقدس شرقی و شهرک «معالیه آدومیم» راه‌دف گرفته و در صورت اجرای کامل، شمال و جنوب کرانه باختری را عملاً از یکدیگر جدایی کند.

اهمیت این پروژه از آن جهت است که پیوستگی جغرافیایی سرزمین فلسطینی را مختل می‌کند و عملاً امکان شکل‌گیری یک کشور مستقل فلسطینی را از میان می‌برد. بسیاری از تحلیلگران غربی معتقدند اجرای E۱ به معنای پایان عملی راه‌حل دودولتی است که طی سه دهه گذشته مبنای اصلی دیپلماسی بین‌المللی درباره فلسطین بوده‌است.

کشورهای اروپایی دقیقاً از همین زاویه به پروژه E۱ می‌نگرند. نگرانی آنها فقط به مسئله حقوق بشری یا تخریب خانه‌های فلسطینی محدود نیست، بلکه به پیامدهای ژئوپلیتیکی و امنیتی آن بازمی‌گردد. اروپا بیم آن دارد که نابودی راه‌حل دودولتی، منطقه را وارد مرحله‌ای تازه از بی‌ثباتی مزمن کند؛ مرحله‌ای که در آن دیگر امکان مهار درگیری از طریق سازوکارهای

بنیامین نتانیاهاو ایجادکنند. در همین چارچوب، مواضع چهره‌هایی چون فریدریش مرتس، جورجیا ملونی و مقام‌های سوئدی و هلندی اهمیت پیدا می‌کند. این مواضع نشان می‌دهد که حتی بخشی از دولت‌های محافظه‌کار اروپایی نیز نسبت به تبعات اقدامات اسرائیل احساس نگرانی می‌کنند؛ به‌ویژه آنکه حضور چهره‌های راست افراطی مانند ایتامار بن‌گوریر و بنشلیئل اسموئیل در کابینه اسرائیل، نگرانی‌ها درباره سیاست‌های الحاقی طلبانه را تشدید کرده‌است.

#### چرا کرانه باختری برای اسرائیل اولویت دارد

تحولات ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که اسرائیل در حال دنبال کردن یک راهبرد چندلایه در کرانه باختری است؛ راهبردی که اهداف امنیتی، سیاسی، جمعیتی و ایدئولوژیک را به‌طور همزمان دنبال می‌کند.

نخستین هدف اسرائیل، جلوگیری از تبدیل کرانه باختری به جبهه‌ای مشابه غزه است. پس از جنگ غزه، تل‌آویونگران افزایش فعالیت گروه‌های مقاومت در شهرهای کرانه باختری شده و تلاش می‌کند با عملیات گسترده امنیتی، بازداشت‌های وسیع و اعمال فشار نظامی، هر گونه زیرساخت مقاومت را پیش از شکل‌گیری از بین ببرد.

اما مسئله فقط امنیت نیست. بخش مهمی از جریان حاکم در اسرائیل اساساً کرانه باختری را بخشی جدایی‌ناپذیر از «سرزمین تاریخی اسرائیل» می‌داند. جریان راست افراطی حاکم بر کابینه نتانیاهاو سال‌هاست که از ایده الحاق رسمی کرانه باختری دفاع می‌کند و اکنون جنگ غزه را فرصتی برای پیشبرد این پروژه تلقی می‌کند.

عامل مهم دیگر، مسئله جمعیتی است. اسرائیل می‌داند که در بلندمدت، ستادوم حضور میلیون‌ها فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی یک چالش جمعیتی و سیاسی جدی ایجاد می‌کند. از این رو، بخشی از سیاست‌های کنونی به سمت فشار برای مهاجرت تدریجی فلسطینیان و کاهش تمرکز جمعیتی آنان در مناطق راهبردی سوق یافته‌است.

در این میان، جنگ غزه نیز به اسرائیل فرصت داده تا توجه جهانی را تا حدی از کرانه باختری منحرف کند. تل‌آویو تلاش می‌کند همزمان با درگیر بودن افکار عمومی جهانی با بحران انسانی غزه، پروژه‌های ساختاری خود در کرانه باختری را پیش ببرد؛ پروژه‌هایی که اثرات آنها ممکن است بسیار ماندگارتر از عملیات نظامی کوتاه‌مدت باشد.

از منظر داخلی نیز نتانیاهاو متحدان راست‌گرایش برای حفظ انسجام ائتلاف حاکم نیازمند امتیاز دادن به جریان شهرک‌نشین هستند. احزاب راست افراطی عملاً توسعه شهرک‌ها و الحاق کرانه باختری را یکی از شروط اصلی ادامه حمایت از دولت می‌دانند. بنابراین، تشدید سیاست‌های تهاجمی در کرانه باختری علاوه بر ابعاد ایدئولوژیک، به ملاحظات بقا و توازن سیاسی در داخل اسرائیل نیز مرتبط‌است.

#### بخش مهمی از جریان حاکم در اسرائیل اساساً کرانه باختری را بخشی جدایی‌ناپذیر از «سرزمین تاریخی اسرائیل» می‌داند و جریان راست افراطی حاکم بر کابینه نتانیاهاو سال‌هاست که از ایده الحاق رسمی کرانه باختری دفاع می‌کند

#### آیا جهان می‌تواند اسرائیل را متوقف کند؟

پرش اصلی این است که آیا موج جدید انتقادات غربی و اقدامات حقوقی بین‌المللی می‌تواند مانع ادامه سیاست‌های اسرائیل در کرانه باختری شود یا خیر؟

واقعیت آن است که فشارهای کنونی نسبت به گذشته جدی‌تر به نظر می‌رسند. هشدار مستقیم به شرکت‌های خصوصی، بحث درباره تحریم کالاهای شهرک‌ها، درخواست برای تحریم چهره‌هایی مانند بن‌گوریر و استناد به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، همگی نشان می‌دهد که سطح نارضایتی غرب از رفتار اسرائیل در حال افزایش است.

با این حال، هنوز فاصله زیادی میان انتقاد سیاسی و اعمال فشار مؤثر وجود دارد. اسرائیل همچنان از حمایت گسترده آمریکا بر خوردار است و بسیاری از دولت‌های غربی نیز به دلایل امنیتی، سیاسی و تاریخی تمایلی به رویارویی کامل با تل‌آویو ندارند. تجربه سه سال‌های گذشته نشان داده که محکومیت‌های لفظی، بدون اقدامات عملی، تأثیر محدودی بر سیاست‌های اسرائیل داشته‌است. ابزارهای واقعی فشار می‌تواند شامل تحریم شهرک‌ها، محدودیت همکاری‌های نظامی، تعلیق برخی توافقات اقتصادی یا حمایت فعال‌تر از پیگردهای حقوقی بین‌المللی باشد؛ اما هنوز اجماع کاملی در باره چنین اقداماتی در غرب وجود ندارد. نهاد‌های بین‌المللی نیز اگر چه بارها شهرک‌سازی را غیرقانونی اعلام کرده‌اند، اما مشکل اصلی در نبود سازوکار اجرایی مؤثر است. اسرائیل طی دهه‌های گذشته نشان داده که بدون وجود فشارهای واقعی سیاسی و اقتصادی، چندان به قطعنامه‌ها و هشدارهای حقوقی توجه نمی‌کند.

با وجود این، تحولات اخیر یک تفاوت مهم با گذشته دارد؛ اینکه شفاف میان اسرائیل و بخشی از افکار عمومی و دولت‌های غربی در حال گسترش است. اگر این روند ادامه یابد و به اقدامات عملی منجر شود، ممکن است تل‌آویو ناچار شود در برخی سیاست‌های خود تجدیدنظر کند. در غیر این صورت، کرانه باختری به سمت مرحله‌ای پیش خواهد رفت که بسیاری از ناظران آن را «الحاق بدون اعلام رسمی» می‌نامند.

#### جهان نما

### دعوت از چهار کشور عربی برای حضور در نشست ناتو

العربی الجدید در یادداشتی نوشت که دعوت از چهار کشور عربی حاشیه خلیج فارس برای حضور در نشست آینده ناتو در آنکارا، تنها یک رویداد دیپلماتیک معمولی نیست، بلکه نشانه‌ای از روندی تدریجی در جهت تعمیق پیوندهای امنیتی میان دو سوی آتلانتیک و کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

قرار است قطر، کویت، امارات و بحرین در نشست آتی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که در تاریخ هفتم و هشتم ژوئیه (۱۷ و ۱۸ خرداد) در آنکارا برگزار می‌شود، حضور داشته باشند. این حضور در شرایطی صورت می‌گیرد که فضای امنیتی منطقه خاورمیانه به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی و همچنین نگرانی‌های فزاینده درباره امنیت انرژی و مسیرهای حیاتی کشتیرانی قرار گرفته‌است.

این گزارش همچنین به نقل از منابع دیپلماتیک و رسانه‌ای اشاره می‌کند که ناتو در تلاش است سطح تعامل خود با کشورهای عضو «بتکار عمل همکاری استانبول برای همکاری» را ارتقا دهد؛ ابتکاری که از سال ۲۰۰۴ به‌عنوان چارچوبی برای گسترش همکاری‌های امنیتی و سیاسی میان این کشورها و ناتو ایجاد شده‌است. این سازوکار در سال‌های اخیر، به‌ویژه در پی تشدید بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، اهمیت بیشتری یافته‌است.

در همین چارچوب، «امجاد الانصاری» سخنگوی وزارت خارجه قطر تأکید کرده است که مشارکت دوچه در این نشست در امتداد روابط امنیتی موجود با ناتو و در قالب همین ابتکار صورت می‌گیرد. او یادآور شده‌است که حضور نیروهای نظامی برخی کشورهای عضو ناتو در خاک قطر، نشان‌دهنده سطح قابل توجهی از همکاری عملی میان طرفین است؛ همکاری‌ای که صرفاً محدود به بعد سیاسی نیست، بلکه ابعاد نظامی، آموزشی و عملیاتی را نیز در بر می‌گیرد.



ابتکار عمل همکاری استانبول که در نشست ناتو در سال ۲۰۰۴ در استانبول شکل گرفت، با هدف ایجاد کانال‌های همکاری میان ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس و برخی کشورهای خاورمیانه طراحی شد. این ابتکار بر حوزه‌هایی چون مبارزه با تروریسم، امنیت مرزها و بنادر، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، امنیت سایبری، آموزش نظامی، تبادل اطلاعات و مدیریت بحران تمرکز دارد.

با وجود گستره موضوعی این همکاری‌ها، ناتو همواره تأکید کرده‌است که این چارچوب به معنای تشکیل یک پیمان دفاعی رسمی یا اتحاد نظامی الزام‌آور نیست، بلکه بر اساس همکاری داوطلبانه و متناسب با نیاز هر کشور عمل می‌کند. با این حال، تحولات امنیتی سال‌های اخیر موجب شده‌است که این چارچوب از یک سازوکار محدود به یک بستر فعال‌تر برای گفت‌وگوی امنیتی تبدیل شود. برگزاری نشست ناتو در ترکیه، که خود عضو ناتو و در عین حال بازیگری فعال در خاورمیانه است، به آن بعدی فراتر از یک نشست معمولی می‌دهد. برخی تحلیلگران معتقدند آنکارا تلاش دارد نقش «پل ارتباطی» میان ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس را تقویت و جایگاه خود را به‌عنوان بازیگری کلیدی در معماری امنیت منطقه‌ای تثبیت کند. در سطح محتوایی، انتظار می‌رود موضوعاتی همچون امنیت دریایی در خلیج فارس، باب‌المندب و شرق مدیترانه، امنیت انرژی، تهدیدات موشکی و پهپادی و همچنین تبادل اطلاعات امنیتی در دستور کار قرار بگیرد. در کنار این موارد، موضوع هماهنگی‌های دفاعی و ارتقایی توانمندی‌های پدافندی نیز از محورهای مورد توجه خواهد بود.

در ارزیابی کارشناسان، مشارکت کشورهای حاشیه خلیج فارس در این نشست را می‌توان نشانه‌ای از تغییر تدریجی در نگاه این کشورها به مفهوم امنیت دانست. به باور برخی تحلیلگران، از جمله «عبدالله باعبود» پژوهشگر و کارشناس امنی، این روند بازتاب‌دهنده افزایش نیاز کشورهای منطقه به تنوع‌بخشی به شرکات‌های امنیتی در شرایطی است که محیط ژئوپلیتیکی منطقه پیچیده‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر شده‌است.

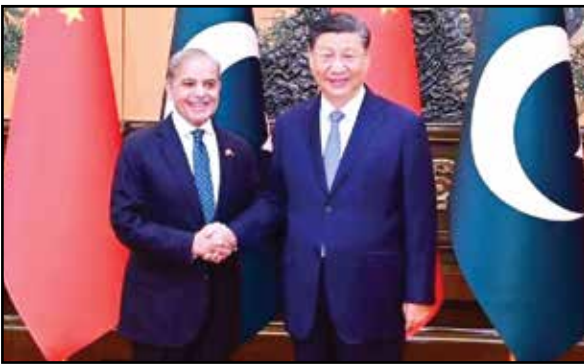
به گفته باعبود، کشور‌های عضو ابتکار استانبول طی سال‌های گذشته توانسته‌اند همکاری‌های عملی در حوزه‌هایی مانند آموزش نظامی، امنیت دریایی، مقابله با تروریسم و امنیت سایبری ایجاد کنند. در مقابل، کشورهایی مانند عربستان سعودی و عمان تر جیح داده‌اند خارج از این چارچوب نهادی باقی بمانند و سیاست استقلال عمل و موازنه‌گرایی را در پیش بگیرند، هر چند همکاری‌های دوجانبه آن‌ها با قدرت‌های غربی همچنان ادامه دارد. وی معتقد است که اهمیت نشست پیش‌رو نه در تصمیمات فوری و الزام‌آور، بلکه در «تثبیت روند گفت‌وگوی امنیتی ساختار یافته» میان ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس قابل ارزیابی است.

در همین راستا، باعبود و «عبدالله بندر العتیبی» استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه قطر چند محور محتمل برای خروجی نشست منصور هستند. از جمله این محورها؛ تقویت همکاری‌های امنیت دریایی و مقابله با تهدیدات در مسیرهای کشتیرانی، توسعه سازوکارهای دفاع هوایی و تبادل داده‌های اطلاعاتی، افزایش هماهنگی سیاسی میان ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس، تمرکز بیشتر بر امنیت انرژی و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و ارتقایی سطح گفت‌وگوی امنیتی بدون ورود به تعهدات دفاعی الزام‌آور است.

تقریباً اجماع وجود دارد که این روند به تشکیل یک ائتلاف نظامی رسمی در خلیج فارس منجر نخواهد شد. دلیل این امر، حساسیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه، به‌ویژه در رابطه با ایران و همچنین تمایل کشورهای حاشیه خلیج فارس به حفظ فضای مانور دیپلماتیک و جلوگیری از ورود به قطب‌بندی‌های سخت امنیتی است.

#### خبر

### سفر نخست‌وزیر پاکستان به چین



دوجانبه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک را با تمرکز ویژه بر توسعه با کیفیت‌یابی کردیدو اقتصادی پاکستان- چین، تجارت، سرمایه‌گذاری، همکاری صنعتی، نوسازی کشاورزی، فناوری اطلاعات، علم و فناوری و تبادلات مردمی بررسی خواهند کرد. گفته می‌شودفیلد مارشال سیدماصم منیر رئیس‌نیزوهای دفاعی و فرمانده ارتش پاکستان که هم‌اکنون برای پیشبرد روند جدی میانجی‌گری در تهران بسر می‌برد، روز یکشنبه به چین خواهد رفت و شهسپاز شریف را در دیدار با مقام‌های بلندپایه چینی همراهی خواهد کرد.«محمدناس ملک»

نخست وزیر پاکستان دیروز (شنبه) در آغاز دیدار رسمی چهار روزه خود از چین وارد شهر هانگ‌زو در شرق چین شد. گفت‌وگوهای آمریکا و ایران به میانجی‌گری اسلام‌آباد و همچنین همکاری‌های اقتصادی احتمالاً در صدر برنامه‌های سفر شهسپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان به چین است. الجزیره گزارش داد: چین از تلاش‌های میانجیگری پاکستان حمایت می‌کند و به گفته اندرایی، سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان ابتکاری ۵ ماده‌ای در این راستا ارائه کرده‌است. وی گفت که در این سفر یک ابتکار مشترک برای پایان دادن به جنگ بررسی خواهد شد. براساس گزارش رسانه‌ها، پاکستان و چین در جریان سفر شهسپاز شریف حدود ۱۰۰ توافق‌نامه به ارزش ۵ میلیارد دلار امضا خواهند کرد. گسترش «کردیدو اقتصادی چین-پاکستان» به بخش‌های زراعت، فناوری اطلاعات و استخراج معادن نیز ساکن بوم و در دولت نقشی داشتیم، حداقل کمی نگران می‌شدم». یک مقام سیا گفت که راتکلیف پیامی به کوبا رسانده است مبنی بر اینکه کوبا پیمیا توسط کوبا در سال ۱۹۹۶ متهم می‌کرد.

### اقدام جنجال برانگیز مدیر سیا در سفر اخیر به کوبا



اساسی اقتصادی و سیاسی دارد و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا هم از «تصرف دوستانه» این جزیره خبر داده است. چند ساعت پس از حمله به ونز وئلا، روبریو به روابط کوبا با ونز وئلا اشاره کرد و به خبرنگاران گفت که «کل آژانس جاسوسی ونز وئلا پس از کوبایی‌ها است». وی همچنین گفت: «اگر من در هاوانا ساکن بوم و در دولت نقشی داشتم، حداقل کمی نگران می‌شدم». یک مقام سیا گفت که راتکلیف پیامی به کوبا رسانده است مبنی بر اینکه ایالات متحده «آماده است تا به طور

#### خبر

ونز وئلا و کوبا پیش از ریایش نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور فنوئی ونز وئلا به دست ارتش ایالات متحده در عملیات تجاوز کرانه سوم ژانویه، متحد بودند و هاوانا اعلام کرده است که ۳۲ نفر از افسران نظامی و پلیس کوبا در آن عملیات کشته شدند. به گفته چندین منبع مطلع که باسی بی. اس گفت‌وگو کردند، جان راتکلیف، رئیس سیا، رهبر شیشه‌نظامیانی را که با خود به هاوانا برده بود، به کوبایی‌ها به عنوان کسی که مردم آنها را در ونز وئلا کشته است، معرفی کرد. حضور یک افسر شبه‌نظامی که چند ماه قبل در ماموریت ریایش مادورو به‌عنوان یکی از شرکای کلیدی دولت کوبا دست داشت، مبنی است با هدف ارسال یک پیام بوده باشد. سفر راتکلیف پس از ماه‌ها فشار بر کوبا انجام شد. دولت آمریکا تهدید کرده است که تعرفه‌های سنگینی را بر هر کشوری که به این جزیره نفت صادر کند، اعمال خواهد کرد که منجر به کمبود شدید سوخت در کوبا شده‌است. مارکو روبریو، وزیر امور خارجه آمریکا همچنین گفته‌است که کوبا نیاز به اصلاحات

### تظاهرکنندگان خواستار استعفاي نخست‌وزیر اسپانیا شدند



لوئیس رودریگز ساپاترو، نخست‌وزیر سابق اسپانیا، به اتهام رهبری یک شبکه نفوذ پولشویی تحت‌بازجویی قرار گرفته است. اعلام بازجویی این سیاستمدار سوسیالیست پرونده دیگری برای دولت چپگرای سانچز است. ساپاترو، متحد کلیدی نخست‌وزیر فعلی اسپانیا، روز سه‌شنبه گذشته هرگونه تخلفی را رد کرد. سازمان‌دهندگان گفتند که ۸۰ هزار نفر در این اعتراض شرکت کرده‌اند، اگر چه

نماننده دولت اسپانیا در مادرید این تعداد را حدود ۴۰ هزار نفر اعلام کرد. این پرونده در شرایطی مطرح می‌شود که دولت سانچز هم‌زمان با چندین پرونده قضایی دیگر از جمله تحقیقات درباره همسر و برادر نخست‌وزیر و همچنین اتهام‌های فساد علیه برخی مقام‌های پیشین حزب سوسیالیست، نیز مواجه است. تمامی متهمان این پرونده اتهام‌های مطرح‌شده را رد کرده‌اند.

### لاوروف: روسیه تحقق اهداف نظامی در اوکراین را دنبال می‌کند



سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در جلسه سنی و چهارمین مجمع شورای سیاست خارجی و دفاعی گفت: «وقتی در مورد لزوم تقویت نفوذ روسیه در سراسر جهان، جذابیت آن به عنوان یک تمدن، یک شریک، یک رفیق که همیشه به توافقات خود عمل می‌کند و تعمیق این نفوذ صحبت می‌کنیم، مهمترین وظیفه، دستیابی به تمام اهداف عملیات ویژه نظامی است.» طبق گزارش خبرگزاری «تاس»،

وزیر خارجه روسیه در ادامه گفت: «دوستان، همسایگان، دشمنان و حامیان روسیه از نزدیک پیشرفت آن را زیر نظر دارند. وظیفه اصلی دیپلماسی روسیه انجام تمام اقدامات ممکن برای ایجاد شرایط لازم برای مؤثرترین، بیرومنده‌اثرترین و کارآمدترین اقدامات پرسنل نظامی روسیه در عملیات ویژه نظامی است.» لاوروف با بیان اینکه درگیری‌ها در

آمریکای لاتین هنوز پایان نیافته است، افزود: «عملیات در خلیج فارس و تنگه هرمز آغاز شده است. درگیری‌هایی در مرزهای کشورهای بزرگ در بخش‌های جنوبی و شرقی آسیا و آمریکای لاتین رخ داده است؛ و جهان‌شماره‌ها و اوضاع درگیری در آنجا به هیچ وجه تمام نشده‌است.» او با تأکید بر اینکه غرب در تلاش است تا متحدان روسیه به‌ویژه

همسایگانش را از هم جدا کند، گفت: «غرب در حال جدا کردن متحدان ما است. غرب تلاش می‌کند آنها را از هم جدا کند و این کار را اول از همه با همسایگان ما شروع می‌کند؛ همانطور که با گرجستان و مولداوی انجام داد، همانطور که اکنون با اوکراین انجام می‌دهد و همانطور که اکنون سعی دارد ارمنستان را به همان منطق اشتباه بکشاند.»